

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛ امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

ج ۶: نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛ امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها و آینده

انقلاب و اربعین؛ دارای مبداء و مقصدی واحد، همراه با ظرفیتی فرهنگ ساز و تحول آفرین

خدای متعال را شکر می‌کنیم که ما را در این زمانه قرار داد و حبّ ابا عبدالله ع را در جانمان شعله‌ور نمود. خدا را شکر می‌کنیم که یکی از تحولات فرهنگی در تاریخ غیبت کبری، تحولی با عنوان انقلاب اسلامی ایران، برآمده از جریان حسینی راه، پیش چشم ما قرار داد. خدا را شکر می‌کنیم که بزرگترین تحول فرهنگی در گستره تاریخ، به عنوان جریان اربعینی راه، در زمانه ما و پیش چشم ما و در امتداد مسیر زندگی ما قرار داد.

خدا را شاکر هستیم که نسبت به این تحولات، بی‌تفاوت قرار نگرفته ایم و جریان انقلاب اسلامی و جریان اربعینی، پیش چشم ما بزرگ است. این دو پدیده نورانی، از یک منشاء و دو پدیده منبث از یک فضای آسمانی و از یک خورشیداند و البته در اتصال با هم قرار گرفته‌اند. خدای متعال، پدیده اربعین و پدیده انقلاب را دو صنع و دو ساخته از صاحب عالم و امام عصر عج قرار داده است.

آسیب شناسی مشکلات امروزین؛ کوتاهی‌های ما در قبال وجه آسمانی انقلاب اسلامی

امروز معتقدیم که شعاع نورانی جریان انقلاب اسلامی، با قدرت و قوت خود عمل کرده و جلو می‌رود؛ و البته ما در فضای پایین‌دست، از «حقیقت انقلاب» فاصله گرفته ایم! دستگاه‌های اجرایی ما در پیوند با انقلاب کوتاهی و فاصله بسیار دارند. امروز آثار انقلاب اسلامی در جهان عیان است و دیده می‌شود؛ اما فضای حاکمیتی ما به دلیل عدم همراهی کامل با رهبر معظم انقلاب، با جریان و حقیقت انقلاب اسلامی، فاصله بسیار زیادی دارد.

رفتارهای ما نسبت به پدیده آسمانی انقلاب، رفتار درستی نبود و نیست. آن چیز که در اجتماع، در قبال انقلاب اسلامی به عنوان یک جریان آسمانی و قدرتمند، شکل داده ایم متناسب با آن حقیقت نبوده است. چرا که شناخت صحیح و دقیقی از جریان انقلاب اسلامی پیدا نکرده ایم؛ پایه‌های انقلاب اسلامی را درست ندیده ایم و به نگاه امام راحل و حضرت آقا نیز به درستی مقید نشده ایم. نتیجه آنکه امروز، بسیاری از شیوه‌ها و رفتارهای ما از کارکرد اصلی خودش خارج شده و اثرگذاری مطلوب را ندارد. بدین سان، وضعیت امروز ما در جامعه، حاصل کوتاهی‌های گذشته ما در قبال انقلاب اسلامی است.

چندی پیش در میان جمعی از اساتید، تبیینی نسبی از فضای موجود داشتیم که بخشی از مسئولین ما در نسبت با انقلاب و نسبت با حاکمیت کوتاهی کرده و از ادامه حرکت مایوس شده‌اند. به بعضی از عزیزان برخورد! چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است؟! اگر کسانی از مسئولین کشور، دغدغه انقلاب داشته باشند، شب و روز نخواهند داشت. رهبر معظم انقلاب، سرآمد کسانی است که نسبت به حقیقت انقلاب تعهد سربازی داشته و در

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

این راستا، شب و روزی نمی شناسد. نمی شود راحت بخوریم، بخوابیم، هر گونه که خواستیم رفتار کنیم و بعد بگوییم که آقا کاری نکنید! به چیزی دست نزنید! چه چیز را دست نزنیم؟ فرصت‌ها از بین رفته‌اند. ما فرصتی نداریم! انقلاب اسلامی در آستانه ۴۰ سالگی خود است. در آستانه دوران قوام و پختگی - اربعین - این هدیه الهی، فرصتی برای تعارف باقی نمانده است.

اگر دشمن در ۷۸ و در ۸۸ وارد میدان شد و بعدا رد پای او دیده شد، اینک به شکل علنی، اعلام وضعیت خودش را برای ۲۰۲۰ کرده است. ۲۰۰ مرکز مطالعات راهبردی آمریکا که در ترسیم نقشه برای فتنه ۹۸ دخیل بوده اند اعلام موضع کرده اند. مراکز مطالعاتی ما باید از خواب بلند شوند. به آنها برمی خورد؟! خب بخورد! به دانشگاه و حوزه ما برمی خورد؟! خب بخورد! چه کار کنیم؟

مقدمه بهره فرهنگی؛ مطالعات علمی تطبیقی ۲ پدیده آسمانی انقلاب و اربعین جهت کشف برنامه خدا و چگونه زیستن

ای کاش سال‌ها قبل به سمت مطالعات علمی و جدی انقلاب اسلامی می آمدیم! ای کاش می فهمیدیم که تعبیری مانند پیوند «امام و امت»، یا تعبیر «نایب‌الامام» چگونه باید در جامعه تسری پیدا کند! ای کاش از ابتدا با مباحث علمی، افق انقلاب اسلامی را روشن می کردیم و به یک نقشه راه جامع، ولو براساس اندیشه‌های امام راحل می رسیدیم. این کار را نکردیم! بزرگترین نقشه راه کشور ما سند چشم‌اندازی است که نیامده، تاثیر خود را از دست داد! سند چشم‌اندازی که حاصل کار و تلاش و زحمت بسیار متفکرین بود، نه توجهی به پدیده‌ای به عنوان بیداری اسلامی داشت و نه چیزی را با عنوان اربعین در آینده رصد کرد و نه موضوعات تقابلی دشمن با این عنوان را! به جز بخش‌هایی خاص، از دیگر کارکرد اصلی خود خارج شد.

امروز هم اگر بخواهیم نسبت به حقیقت انقلاب سربازی کنیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه با جریان اربعینی گره بخوریم و احیاء بشویم! و البته می بایست در فضای اربعینی، رفتاری مناسبتر از رفتارهایی که در انقلاب اسلامی شکل داده ایم، شکل دهیم. و اینک خدای را شاکریم که در جریان اربعین، مجموعه‌های مختلف، به سمت مطالعات علمی اربعین روی آورده اند. آن زمانی که تلاش شد تا یک جریان علمی قدرتمند در فضای اربعینی شکل بدهیم، بعضی از افراد و مجموعه‌ها استقبال کردند و بعضی از افراد و مجموعه‌ها هم مخالفت. امروز خدای متعال را شاکریم که جریان اربعینی، در فضای خودش هسته‌هایی از فضای علمی را دارد و هر کدام مجبورند تلاش کنند تا به شکل علمی وارد این جریان بشوند. خدا را شاکریم که فضای خدماتی امروز در جریان اربعینی حرف از بحث علمی می زند؛ فضای تبلیغی حرف از بحث علمی می زند؛ ما هم همین را می خواستیم.

و البته امروز هم اگر جریان علمی شکل گرفته در فضای اربعین، با دقت به ابعاد این پدیده الهی توجه نکند، بن‌مایه‌ها، خاستگاه و مقصد را نشناسد، لوازم و توشه مسیر را نشناسد، و فقط دلش را به مطالعه ای اولیه و تاریخی خوش نماید، از این جریان عظیم عقب خواهد ماند. مطالعه بن‌مایه‌های این جریان، از فضاهای قرآنی

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

گرفته تا روایی و کلام صاحبان دغدغه و اندیشمندان امروز، یک مطالعه ضروری است. اینک می بایست مجموعه‌ای از فرهیختگان و اساتید، با دقت و تامل وارد این فضا شده، قصد کشف برنامه خدا نمایند، و ابعاد این هدیه الهی و ظرفیت عظیم شکل گرفته را مورد رصد و تحلیل قرار دهند!

اینک نوع روش موجود که در مواجهه با آیات و سوره قرآن، همچنین در مواجهه با ادعیه و روایات، جزئی‌نگر و نکته‌نگر است، ما را از فهم برنامه‌های خداوند غافل کرده است. فهم برنامه‌های خداوند، نیازمند به کلان‌نگری است! انسانی که می‌خواهد برنامه‌های خدا را بفهمد، باید کلان‌نگر بوده و با وسعت‌ها و قواعد نقشه حق آشنا باشد. انسانی که می‌خواهد حرکت بکند، نیازمند نقشه راه است؛ قرار نیست قرآن و آثار روایی ما به عنوان کلام شیرین و جذاب، برای قرائت، حفظ و جایزه گرفتن خوانده شود، اما برای زیستن و زندگی کردن و به عنوان نقشه راه مورد استفاده قرار نگیرد! آن چیز که در قرآن و روایات معصومین ذکر شده است، همگی درس‌هایی برای زیستن است.

از این جهت این جلسات را با عنوان «نور اربعین خاموش نخواهد شد» برقرار کردیم تا محتوایی جامع از فضای قرآنی، نگاه روایی و آراء اندیشمندان در حوزه اربعین را، به شکل مرتب پیش رو قرار بدهیم، سپس آن را قدری منظم و منقح کنیم تا در فضای تبلیغی کاروان‌ها مورد توجه قرار بگیرد. امید که خداوند در این سیر، توفیقات زیادی را نصیب ما و جامعه دینی‌مان گرداند.

جمع بندی ۴ بخش اولیه زیارت اربعین جهت کشف برنامه خداوند و نقشه راه!

تحول فرهنگی اساسا در پیوند با جریان حسینی شکل می‌گیرد و «زیارت»، یک مدخل معرفی شده از جانب عترت جهت تحول فرهنگی و بهره‌بردن از آثار و برکات الهی است. امروزه پیوند با زیارت اربعین، همچنین راهپیمایی و جریان عظیم اربعین می‌تواند آثار و برکات عظیم و گسترده‌ای را برای جامعه بشری به ارمغان بیاورد.

زیارت اربعین که به تعبیر امام صادق علیه‌السلام یک «زیارت» و به تعبیر دیگر به عنوان یک «مجموعه درسی» از نیمه اول قرن دوم هجری پیش روی جامعه اسلامی قرار گرفته است، می‌بایست به عنوان یک «نقشه راه» مورد مطالعه قرار می‌گرفت.

از جمله ادعیه، زیارت اربعین است که بخش اول آن، ما را با امام مواجه می‌کند؛ امامی که از فضای بالا دست تا فضای پایین دست را در اختیار دارد. در فضای بالادست، صاحب قدرت، صاحب ولایت و حب الهی است و در فضای پایین دست، تسلیم خدا است؛ و در ماجرای حسینی، مظلوم است و اسیر در کربات و کشته اشک.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

در بخش دوم زیارت اربعینیه به ما آموزش داده می‌شود که چگونه بعد از سخن با معصوم، با خدا سخن بگوییم و از ایشان حرف بزنیم! و در بخش سوم، غایت، میزان برد و چگونگی حرکت به سوی آن پیش چشم ما قرار می‌گیرد: «فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحَ النَّصْحِ وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسْتُنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» این تعبیر، اگرچه نسبت به دو بخش قبلی کوتاه تر است، اما خود حکایت از یک بخش مستقل دارد.

ورود به فضای چهارم از سوی امام صادق ع در زیارت اربعین، گواهی بر آن است که از دشمنان جریان حسینی گرفته تا افراد کنار رفته و یا حتی بی تفاوت از جریان حسینی، انسان‌های فرو دستی هستند که خود را از پرقدرت‌ترین ظرفیت جاذبه‌ای حق محروم ساخته‌اند.

بررسی ظرفیت‌های جریان حسینی و شروع برنامه‌های فرهنگی تهاجمی در جهان (بر اساس بخش ۴ زیارت اربعین)

زمانی که تعبیر «نجات‌بندگان از جهالت و ضلالت» را در مقایسه با کلام امام برای «اصلاح امت جد» قرار می‌دهیم، قوت و جایگاه متن زیارت اربعینی را متوجه می‌شویم که برد جریان حسینی نه فقط اصلاح امت جد، که اصلاح وضعیت عباد است! بنابراین در سیر تحقق زمانی، جریان حسینی، بیشتر از آن چیزی که ما می‌فهمیدیم برد دارد: یعنی فضایی تا ظهور و بعد از ظهور! لذا است که متولیان فرهنگی داخل و خارج، این گونه از غایت‌شناسی و قدرت‌نمایی جریان اربعینی را می‌بایست پیش رو قرار بدهند و بر این اساس، تهاجمی فرهنگی و قدرتمند را به مولفه‌های تمدن غربی سامان بدهند.

اگر جریان حسینی را برای اصلاح محله‌ها به کار گرفتیم، اما برای اصلاح عباد جهان ندیدیم، این ضعف نگاه ما بوده‌است! امروز که خداوند جریانی اربعینی را در جهان شکل داده است، می‌بایست نسبت‌های میان هیأت و محافل ما با این جریان عظیم الهی روشن شود. هیأت و محافل حسینی، هسته‌هایی هستند که پیکره جریان عظیم اربعینی را روشن می‌کنند؛ این هیأت و محافل، هر چه در طی سال‌های گذشته، عاقلانه‌تر، هوشمندانه‌تر، دقیق‌تر و خالصانه‌تر فضای عظیم جدید را فهم کنند، آن اتفاقی که در پیکره امت اسلامی و امت توحیدی در این ایام در حال شکل‌گیری است، عظیم‌تر، پربرت‌تر و پرقدرت‌تر خواهد بود! این پیکره قدرتمند، در همراهی و متابعت رهبر معظم انقلاب و انقلاب اسلامی، معادلات جهان را دگرگون خواهد کرد.

بیش از ده سال پیش بود که به برادر عزیز گفتیم، این مسیری که شما در قصه هلوکاست می‌بینی، مسیر خوبی برای کشور نیست! و بعد هم که پیشنهاد خودش را به سمت دولت هشتم و نهم برد، از آنها خواهش کردیم و گفتیم که به جای بخش اختلافی و تفرقه‌ای - حتی اگر صحیح باشد- بخش‌های اشتراکی ادیان می‌بایست به عنوان مجموعه مسائل، روی میز بشر قرار گیرد. کمک کنید تا یک وجه اشتراکی از ادیان، با استفاده از ظرفیت حاکمیت، بر روی میز جامعه جهانی قرار بگیرد و مسیر، با چالش کمتری مواجه بشود. جریان حسینی و اربعینی به واسطه ارزش‌های خود، آن مساله مهمی است که خدای متعال بر روی میز جهان قرار داده

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

است. چرا بر روی میز جهان؟ چون طراحی این موضوع اساسا بر این شکل بوده است که: «لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلَالَةِ». اینک از چشمان تیزبین رصدگران جریان اربعینی به دور نیست که این جریان عظیم، به عنوان قلب تپنده احیاءگر در جامعه توحیدی، بسیاری از مناسبات را ترسیم کرده و ترسیم خواهد نمود.

به فلان عالم مسن سال مسیحی می‌گوییم: شما حضری فلان نشست علمی را شش ماه مانده به اربعین در کشور خودت برگزار نمایی؟ می‌گوید بله. حاضرم! و ادامه می‌دهد که البته چهار سالی هست که در راهپیمایی اربعین مشارکت دارم. و سپس عکس‌ها و گفتگوهایش را می‌فرستد! چطور یک مسیحی که صاحب قلم و کتاب است و صاحب رسانه، در فضای راهپیمایی اربعین گام برمی‌دارد، به مواکب سر می‌زند و از پیوند حسین ع و مسیح ع سخن می‌گوید، اما برای مسئول فرهنگی کشور ما این جریان اهمیتی ندارد؟! چگونه می‌شود که یک مسیحی با همکاری دوستانش موکبی را برپا می‌کند، تجمیع اموال می‌کند تا زائران حسینی را از بیست روز تا یک ماه اطعام کند، اشک می‌ریزد و افتخار می‌کند که حسین ع امام من است و فقط برای شما مسلمین نیست، اما بخشی از ظرفیت داخلی ما در پیوند با این جریان، از خود اهمیتی نشان نمی‌دهد؟!!

اگر نوع نگاهی که امام صادق علیه‌السلام در زیارت اربعین اباعبدالله ع مطرح کرده‌اند پیش چشم ما بود که «لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلَالَةِ» امروز نسبت به راهپیمایی اربعین بی تفاوت نمی‌بودیم! آن چیز که امروز در ظرفیت اربعینی در حال شکل‌گیری است، در راستای هدفی است که هم «اصلاح امت جد» در کلام اباعبدالله را در پی خواهد داشت و هم «رهایی بندگان از جهالت و ضلالت» در کلام امام صادق ع را.

شروع گفتمان جدید اربعینی در عالم؛ همراه با رصد و تقابل دشمنان، همچنین غفلت متولیان موجود فرهنگی

افق جریان اربعین، آن نقطه کانونی و آن فضای متحد و متصل به هم است که می‌تواند در مقابل فضای فساد واقع در جهان توسط صهیون، و در مقابل ساختارهای قدرت ماسونی، قدرت‌نمایی و دست‌اندازی کند! دشمن این را بهتر از من و شما می‌داند. در سال‌های اخیر، بعضی از مستشرقین و هنرمندان غیر مسلمان از آمریکا و اروپا نیز این جریان را مطالعه کردند - سال قبل نیز تعدادشان به چند صد نفر رسید- اینک گمان نداشته باشیم که این جریان را رها خواهند کردند. مطمئن باشید آن دشمنی که ظرفیت دو میلیونی حج را - که با اکثریت جامعه غیر شیعی است - نمی‌تواند ببیند، ظرفیت اربعینی با فضای حداکثری شیعه را حتما نخواهد دید.

آشفتگی پیوسته منطقه از جمله عراق، جهت دوری از نقطه کانونی انسجام امت، آن چیزی است که در برنامه های دشمنان به شکل دائمی وجود داشته است. اینک دشمن با نگاه به فتوحات جبهه حق و با فهم آسیب‌ها و شکست‌هایی که از جبهه حق - در لبنان، عراق و سوریه - بر او وارد شده، نقشه جدیدی را وارد میدان کرده است. سه سال قبل با درایت جدی از جانب حاج‌قاسم سلیمانی، عملیات جرف‌الصخر در ابتدای محرم در عراق شکل گرفت و از تبعات این عملیات بزرگ، تامین امنیت برای اربعین بود. از ابتدای ماه محرم شروع شد تا

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

امنیتی جدی از نجف تا کربلا و تا بغداد سامان پیدا بکند. عملیاتی سنگین و تامین امنیت برای جریانی که قصد اجتماع دارد و قدرت‌نمایی! امسال نیز دشمن دقیقا در یک فضای متقابل و بدلی رفتار کرد و در ابتدای محرم و قبل از اربعین، حرکتی جدی در شمال عراق و در کردستان را آغاز نمود! اما عجیب است که به بهانه فتنه اخیر در کردستان عراق، خدای متعال مجموعه کشورهای خط مقاومت را تقویت کرده و توسعه می‌دهد. این موضوع می‌بایست برای سیاست‌مداران ما محل تامل باشد.

فلان مسئول که قدرت‌نمایی جامعه توحیدی را نمی‌بیند، چون برایش مطالعه نکرده، زحمتی نکشیده و هزینه ای نیز نداده است این اتفاقات را کاملا بی نسبت با جریان اربعین می‌پندارد. می‌گوید چه ربطی دارد؟! و اساسا در موضوع اربعین می‌گوید: سیستم اجرایی کشور تعهدی نسبت به این ماجرا ندارد. کار و وظیفه‌مان چیز دیگری است! اما آن رهبر عزیزی که بر محور وحدت امت می‌اندیشد و آن را آغاز رفع مشکلات داخلی و خارجی می‌داند، برای او این جریان اهمیتی ویژه می‌یابد.

هیچ جریانی جز جریان حسینی نمی‌تواند فضای متشتت داخلی عراق و دارای اختلاف با ایران، همچنین کشورهای دیگر را به هم نزدیک کند! این اتفاق افتاده است. آن مجموعه‌هایی که در مرکز تحقیقات استراتژیک، این فضا را ندیده اند، من نمی‌دانم که از کودکی تا میانسالی، در محافل حسینی چه کار کرده اند؟! شاید در گوشه ای از مجلس مشغول بازی بوده اند و گرنه کسی که در محفل حسینی باشد، از فضایی که اباعبدالله ع در جهان ایجاد کرده‌است، بهره می‌برد!

خط «مقاومت» امروز به عنوان جریان پیش‌تاز انقلاب اسلامی و خط «گفتمان متعادل» به عنوان جریان ساکن از مجمع عقلای دهه شصت، در کنار هم، فضایی دوگانه را شکل داده‌اند. آن چیز که در میدان عمل و در حرکت به سوی صحنه‌های پیش رو در حال وقوع است، گفتمانی از جانب خدای متعال را بالاتر برده و گفتمانی دیگر را پایین تر می‌آورد! ما امروز چاره‌ای جز بهره از فضای یکپارچه اندیشه‌های ناب امام و جز انسجام بر محور ولی و رهبر حکیممان نداریم. آن مسئول محترم ترکیه‌ای که حدود ۶-۷ سال قبل، هنوز از ایران خارج نشده، در درون هواپیما برای توصیه رهبری به وی در مشهد مقدس خط و نشان کشید و در مخالفت با آن توصیه مصاحبه کرد، امروز چاره‌ای نمی‌بیند جز اینکه در پیوند ایران و در یک نقشه جامع - علیه کودتای کشور خود، ماجرای داعش، مواجهه با آمریکا و... - حرکت بکند. یعنی گفتمان انقلابی، گفتمان مقاومت و رهبری به مدد خدای متعال در حال پیشرفت و قدرت‌نمایی است.

بخش پنجم زیارت اربعین؛ از سلام به حضرت تا شهادت به وفای به عهد، همچنین انجام وعده الهی در آینده

در بخش پنجم از زیارت اربعینی، امام صادق علیه‌السلام مجددا ما را وارد فضایی از سلام بر اباعبدالله ع می‌کند و با تعابیری، نسبت حضرت را با شجره رسالت، خلافت، ولایت و وصایت پیش چشم قرار می‌دهد:

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ سَیِّدِ الْاَوْصِیَّاءِ

اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمِیْنُ اللّٰهِ وَ اَبْنُ اَمِیْنِهِ

امین خدا بودی، فرزند کسی که امین خدا بود،

عِشْتَ سَعِیْداً وَ مَضِیْتَ حَمِیْداً

با سعادت زندگی کردی و در **حالت مدح رخت بربستی** و از دنیا رفتی

وَ مِتَّ فَقِیْداً مَظْلُوماً شَهِیْداً

وَ اَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ مَنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ

وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ وَقِیْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِیْلِهِ حَتّٰی اَتَيْكَ الْیَقِیْنُ

فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكِ فَرَضِیْتُ بِهِ

در سیر دوم از سلامها که هم اتصال زائر به جریان خدایی اباعبدالله ع شکل می‌گیرد و هم زائر، مجدداً امن بودن، سلم بودن و تسلیم بودن خودش را نسبت به جریان رسالت و وصایت مطرح می‌کند، در این سیر، مجدد تأکیدی بر نوع زندگی و حیات حسینی و نوع ارزش‌های حسینی می‌شود. آن چیز که در فضای اول اعم از «طیب ولادت»، عطای سعادت و «اکرام به شهادت» باز شده بود، در این فضا روشن‌تر شده و موضوع زندگی سعادت‌مندان مورد تأکید قرار می‌گیرد! از موضوع رفتن به شهادت و از حالت مظلومیت گفته می‌شود اما موضوعات مهم دیگری نیز در امتداد این مسیر قرار می‌گیرد و ادامه این جریان را روشن می‌کند.

شهادت می‌دهم خداوند آن چه را که وعده داد وفا می‌کند، چه وعده ای داده است؟ کدام وعده؟ تا اینجا حرفی از وعده نبود! این چه چیزی است که مطرح می‌شود؟ ماجرای اباعبدالله ع فقط این نبود که به شکل شخصی، طیب ولادت، سعادت در حیات و اختتام به شهادت را داشته باشد! قرار بر این بود که این جریان، تا رفع جهالت از عباد جهان پیش برود.

خداوند وعده را واقع می‌کند؛ آن کسانی که موجب خذلان شما شدند، آنها را هلاک می‌کند و کسانی که تو را کشتند تعذیب می‌کند: «وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ». این دعا چه زمانی صادر شده است؟ در دروان امام صادق ع. پس موضوع هلاکت دشمنان تا زمان امام ششم شکل نگرفته است؛ نه در دنیا و نه در برزخ! و تا چه زمانی جایگاه قرائت دارد؟ تا زمان رفع جهالت و ضلالت جایگاه دارد. امام صادق علیه‌السلام، در این مجموعه

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

از گواهی ها، به هلاکت دشمنان در بخشی از دوران رجعت اشاره می‌کنند. این در امتداد مسیر آینده است و در امتداد روشنگری نسبت به عباد خدا در آینده جهان. ضمن آنکه رجعت حضرت و یاران، همچنین رجعت فرمانده دشمنان و مجموعه دشمنان، یک موضوع مسلم در روایات است.

«وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ»، فرازهای سلام و شهادت دوم، بخشی بر محور «وعده» و بخشی بر محور «وفای به عهد» پیش می‌رود، وعده خدا به حسین علیه‌السلام و وفای به عهدی که حسین علیه‌السلام نسبت به عهد خدا کرد! حسین جان! هم شما به عهدی که داشتی وفا کردی هم خداوند در آینده به وعده خود وفا می‌کند. این عهد با مجاهده در سیل خدا و تا رسیدن یک جریان یقینی -البته بعضی‌ها پایان عمر معنا می‌کنند- پیش رفته و می‌رود.

و از جانب ما مجدد نسبت به دشمنان چه چیز ابراز می‌شود؟ هر تنبیهی که بخواهیم بگوییم در اوج خود می‌شود لعن؛ یک جریان گسترده عذاب، شمشیر، سیلی و...! چه آن کسانی که در صحنه حاضر شدند: «مَنْ قَتَلَكَ»، چه کمتر رفتار کردند: «مَنْ ظَلَمَكَ» و چه کمتر! یعنی «أُمَّةٌ سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ».

بخش ششم زیارت اربعین؛ از ترسیم خطوط تعاملات بین الملل بر گرد ولایت حسینی تا چگونگی اثبات مدعا

بخش ششم از زیارت اربعینی، تجدید عهد و پیمان ما را نسبت به امام شکل می‌دهد. کانه امام صادق ع می‌فرمایند یاد گرفتی در مواجهه با امام چگونه حرف بزنی؟ با خدای امام چگونه حرف بزنی؟ هدف امام را چه ببینی؟ دشمنان امام را چگونه ببینی؟ نوع رفتار امام در دنیا و نوع رفتار خدا با امام را در دنیا، در چه منطقی و گفتمانی ببینی؟ و چگونه با دشمنان، غیرت‌ورزانه مواجه بشوی و شمشیر لعن به دست بگیری؟! تا اینجا اینها را از زیارت اربعین یاد گرفتی؟ حالا عهد و پیمان ببند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُكَ اَنِّىْ وَلِىُّ لِمَنْ وَاوَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ

بَابِى اَنْتَ وَاُمِّى يَابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ

چه زمانی این تعبیر را می‌گوییم؟ زمانی که در زیارت اربعینیه با ابا عبدالله ع پیمان بستیم که بر گرد او بر جهان تعامل کنیم، اینجا مدعیان را مهر می‌زنیم و تثبیت می‌کنیم. او صاحب ولایت است دیگر. از اینجا به بعد باید اجتماع بشوی و از حرکت فرعی خودت دست برداری. از اینجا به بعد بر مدار ولایت حسین ع باید جمع بشوی: «اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُكَ اَنِّىْ وَلِىُّ لِمَنْ وَاوَاهُ». از اینجا به بعد، شاخص زندگی شما در تعامل با دیگران می‌بایست پذیرش ولایت حسین ع باشد که اگر کسی داشت با او پیوند بخوری و اگر کسی نداشت با او مفارقت ایجاد کنی: «وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ». این چیز عجیبی است.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

در آتیه عالم که قرار است حسینیت، محور جریان فرهنگی برای رفع ضلالت و گمراهی از جهان قرار بگیرد، کلیه تعاملات میان افراد می‌بایست ابتداء بر مدار پذیرش ولایت حسین ع و نفی ولایت حضرت تنظیم بشود. خدایا من با هر کسی که ولایت او را قبول کرده همراه هستم، با هر کسی که پیمان او را قبول کرد همپیمان هستم. یعنی حتی اگر یک مسیحی یا ایزدی با جریان حسینی گره خورد، من باید با او تحبیب داشته باشم! شاید اگر شرایط امروز در جریان اربعینی نبود، این نوع از نگاه در فضای ما اصلا نه فهم می‌شد و نه مطلوب تلقی می‌شد. امروز این فرازهای ادعیه در حال پیاده شدن است.

در این فضا است که تقارب ادیان معنا می‌پذیرد. ما یک ظرفیتی در این سال‌ها در کشور داشته ایم؛ تعدادی از بزرگان و عزیزان همت کردند و تقریب مذاهب را پیش بردند. به لحاظ سختی فضای جهان، عمدتا تقریب مذاهب با عقب‌نشینی شیعه همراه بوده است، کسی هم نمیتواند این را انکار کند. فضا خیلی سخت است، بخواهی پایش هم بایستی به بداخلاقی و دعوا کشیده می‌شود و کار خرابتر می‌شود. اما اباعبدالله ع جریانی را شکل داده است که در این فضا، نه تنها تقریب مذاهب که تقریب ادیان آن هم با پیش تازی شیعی در حال شکل‌گیری است. بدین سان، زیبایی‌های فضای شیعی و حسینی در حال ترسیم است. بر محور ارزش‌های حسینی، عباد خدا - نه فقط مسلمانان - دور هم جمع می‌شوند و حسین علیه‌السلام محور دوستی و دشمنی در میان عباد خدا قرار می‌گیرد.

«بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ»

حال که بعد از آشنایی با این منظومه عظیم، حاضرید با ارزش‌های حسینی گره بخورید، اولاً خودتان محکم باشید، مدار دوستی و دشمنیتان حسین باشد و با یاران امام از ادیان مختلف دشمنی نکنید. یک اجتماع عظیم شکل بدهید. گویی سوالی مطرح است که آیا قبول کردید؟ و بر فرض پذیرش آن، سخنی جدی می‌بایست بر زبان راند و پذیرش را تثبیت کرد: «بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ» جان پدرم و مادرم فدای شما! این تعبیر نهایت اتصال و نهایت وفای به عهد است. یک جایی می‌گوییم خونمان را تا آخرین قطره می‌ریزیم. این تعبیر، تعبیر بالایی است. اما در جای دیگر می‌گوییم پدر و مادرم به فدای شما! این تعبیری فراتر است؛ یعنی قربانی بودن خود، اساسا مفروض است، در آنکه تردیدی نیست، بلکه عزیزترین گوهر وجودم که پدر و مادر هست نیز، با طیب خاطر حاضرم بگویم که قربان شما هستند!

چه زمانی این تعبیر را می‌گوییم؟ زمانی که در زیارت اربعینیه با اباعبدالله ع پیمان بستیم که بر گرد او بر جهان تعامل کنیم، با عباد خدا تعامل کنیم، حسینیان را بپذیریم، با آغوش باز و بر محور او حرکت کنیم. اینجا مدعایمان را مهر می‌زنیم و تثبیت می‌کنیم.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

بخش هفتم زیارت اربعین؛ شهادت به بعد نور، فرود نور، پیشبرد برنامه الهی از طریق نسل نورانی امام حسین ع

بخش هفتم. در دو مرحله از سلام و در دو مرحله از شهادت، با یکسری جملات، فضای بالادست و فضای پایین دست نسبت به حضرت مورد مطالعه قرار گرفت. اینک در موقعیت وفای به عهد، شهادت و نوع نگاه به حضرت، برای بار سوم از موقعیتی فراتر و بالادستی مورد توجه قرار می گیرد:

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا

وَلَمْ تُلَبِّسْكَ الْمُدْلِهِمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا

حسین جان! تو یک نور در اصلااب ارزشمند و شامخ و در ارحام مطهر بودی. تو یک نوری بودی که هر کسی توان حمل تو را به دنیا نداشت!

براستی چرا همه آن چیز که از ابتدای زیارت اربعین تا وفای به عهد ما مطرح شد باید مطرح می شد؟ و چرا قرار شد همه مجتمع بشویم و اینقدر در حسین ع غرق بشویم که بگوییم بآبی آنت و آمی؟ دلیلش در بالاتر مشخص است: بالاتر می رود از نور شروع می کند و پایین تر، از سیر فرود نور می گوید؛ او نوری بود که تا آخر ماند، اصلااب و ارحام او را به درستی منتقل کردند. هیچ جاهلیتی نیز نتوانست نور او را، به نجاست خودش آلوده بکند، و نتوانست بر تن او لباس آلودگی را بیوشاند.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْإِهَادِي الْمَهْدِيُّ

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأِيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْإِهْدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا

ما فهمیدیم که چرا باید مرکز ثقل تحول فرهنگی عباد خدا در آینده جهان او باشد؟ و چرا بر گرد ولایتش می بایست جمع شویم و بر نبود ولایت او دشمنی کنیم؟ و همگی جانمان و پدر و مادرمان را برای او فدا کنیم؟ چون او از دعائم دین است، ستون دین است!

و البته این تمام نشد! نسل شما ادامه پیدا کرد؛ مظهر تام تقوا فرزندان او شدند. از چشمه او جوشیدند و کلمه تقوی شدند! فرزندان حسین ع، نشانه های هدایت و پرچم های سبیل الله اند. اگر نباشند سبیل و صراط خدا مشخص نیست. پرچم های هدایت اینها هستند و به واسطه اعلام هدایت، صراط و سبیل، روشن است. ایشان دستگیره مستحکم اند و استقرار دنیا به واسطه وجود آنها برقرار است.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۶- نگاهی به محتوای زیارت ماثور اربعین؛
امام شناسی، شناخت زندگی الهی، تحولات بین الادیان، دشمنان، رفتارها، آینده

بخش هشتم زیارت اربعین؛ شهادت به همراهی ایمانی و قلبی، تا همراهی جسمی در دوران رجعت آتی

پس از ذکر وفای به عهد، شهادت به نور امام ع و به انتقال سلامت این نور به دنیا، همچنین شهادت به موقعیت‌های دنیایی و آخرتی امام ع، وقت آن است تا نسبت خود را با این گونه از شهادت در بخش پایانی روشن کنیم که چه هستیم، لذا وارد فضایی دیگر می‌شویم؛

وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ

بِشَرَايِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي

وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ

وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوَّكُمْ

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ
الْعَالَمِينَ.

حسین جان! امروز مومن به شما هستیم، باور به بازگشتت دارم و آماده بازگشت تو هستیم! مسیر شما را روشن‌کننده جریان دینم و عملم می‌دانم و البته قلبم تسلیم شما و عملم تابع شما است! تا زمانی که خداوند در آینده به شما اذن رجعت دهد. ابتدا در دوران دنیا بر محور شما موالات می‌ورزم، و در بازگشت آینده که اذن آمدن داده شد با شما هستم، هر کجا که باشید و هر طور که بخواهید. حسین جان! مرا قبول کن.

ببینید چقدر زیارت اربعینی گره می‌خورد با آینده! در زیارت اربعینی، حداقل در سه یا چهار مرحله، توجه به ماجرای آتی حضرت می‌شود که ای حسین جان! نه فقط الان به پای شما ایستاده‌ام، بلکه به رجعت شما ایمان دارم و تا رجعت شما چنینم.

بر اساس آنچه گذشت کسی که زائر اربعینی است نمی‌تواند تحولات فرهنگی برایش پررنگ نباشد، نمی‌تواند تعاملات بین‌الادیانی بر محور اباعبدالله ع برایش پررنگ نباشد، همچنین نمی‌تواند جریان آینده شناسی برایش پررنگ نباشد، و از جمله اینها رجعت است!